علی احمدی، دبیر کمیسیون مشترک مجمع تشخیص در برنامه هفتم توسعه می گوید

احتمال تغییرات جدی در تخصیص درآمدهای نفتی

نرگس چوراقانی
خبرنگار گروه سیاست

**در برهه کنونی نخستین اولویت کشور، تدوین برنامه هفتم توسعه است؛ چراکه برای حل مشکلات کشور نیاز به تدوین اهداف و سیاست‌های کارآ و قابل اجراست. درواقعیت عقب‌ماندگی یک‌ساله در تدوین این برنامه، آسیبی را متوجه حرکت همه جانبه کشور در تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کرده و خلأ قانونی مهمی را نشان می‌دهد. بااین حال آمایه هفتم توسعه از مراحل ابتدایی خود عبور کرده و تدوین آن سرعت گرفته است. دبیر و علی احمدی، دبیر کمیسیون مشترک سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه مجمع تشخیص از پایان بررسی برنامه هفتم توسعه در مجمع خبر داد و گفت جمع‌بندی مجمع این هفته برای رهبر انقلاب فرستاده می‌شود. مجمع تشخیص مصلحت نظام در هفته‌های گذشته جلسات فشرده‌ای را برای این جمع‌بندی داشته. لذا برای بررسی جزئیات فرآیند تدوین برنامه هفتم توسعه در مجمع به سراغ علی احمدی رفتیم. او در گفت‌وگوی خود با «فرهیختگان» تأکید کرده است یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تدوین سیاست‌های برنامه هفتم، آسیب‌شناسی برنامه‌های گذشته بود. در این امر چند نکته کلیدی قابل توجه بود، یکی میزان تحقق این برنامه‌ها بود که معمولا برنامه‌های گذشته بین ۳۵-۳۰ درصد تحقق یافته‌اند. نکته دیگر این بود که این برنامه‌ها جامع دیده شده بودند و خواست به همه مسائل کشور بپردازد؛ به تعبیری امور مرحوم بودند؛ مثلا امور اقتصادی، امور قضایی، امور علمی و فناوری و غیره. به نوعی به همه امور پرداخته بود بدون اینکه اولویت‌های مشخصی را معین کند. نکته دیگری که وجود داشت این بود که در برخی زمینه‌ها نقنه‌ها اهداف سیاست‌ها تحقق پیدا نکرده بود بلکه در برخی زمینه‌ها نسبت به اهداف سیاست‌ها از لوبه ایجاد شده بود. بنابراین یکی از مؤلفه‌های کلیدی در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه این بود که با توجه به این آسیب‌شناسی، باید تقیه‌ها برطرف شود. نکته دیگری که وجود داشت این بود که جامعه با یک سری حالت روبه‌رو است و یک سری چالش‌ها در پنج سال آینده قابل پیش‌بینی است که باید آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین دارای یک تجربه و انباشتی از دانش و تجربه نسبت به برنامه‌های گذشته هستیم. درعرصه بین‌المللی بسیاری از خطوط و مرزبندی‌های ما با دشمنان و دوستان شفاف‌تر شده است. با توجه به واقعیت‌های موجود در جامعه و با توجه به آنچه درعرصه بین‌المللی رخ می‌دهد، باید می‌توانستیم نظام مسائل کشور را شناسایی کنیم. کارگروه‌هایی برای شناخت مسائل کشور تشکیل شد و این نظام مسائل اعم از نظام مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علمی، نظام مسائل سیاسی اعم از سیاست داخلی و خارجی و دفاعی باید مورد شناسایی قرار می‌گرفت. کارگروه‌های مختلفی برای این امر تشکیل شد. نکته دیگر این بود که بتوانیم بین نظام مسائل و سیاست‌های کلی که تاکنون ابلاغ شده است، ارتباطی برقرار کنیم. یک برش پنج‌ساله از این سیاست‌ها که تاکنون ابلاغ شده است فراهم شود. فهرست نظام مسائل، باید براساس شاخص‌هایی اولویت‌بندی می‌شد. لذا چهار شاخص برای اولویت‌بندی نظام مسائل مطرح شد، یک شاخص میزان اهمیت این مسائل در مطالبات و نیازهای واقعی مردم است. شاخص دوم این بود که این مسائل در مطالبات و اسنادی که رهبری ابلاغ کردند، چه میزان اهمیت دارد. نکته سوم این بود که فهرستی از مسائل را داریم که باید بررسی کنیم کدام یک ضروری‌تر است. چون برخی مسائل ممکن است وجود داشته باشند و مهم باشند اما فلاضروری تشخیص داده نشوند. باید این دو ساله، یک ضروری‌تر تشخیص داده شود. معیار چهارم یا شاخص چهارم فوریت بود. گاهی مواقع ممکن است یک مساله اگر در یک فرصت زمانی حل نشود، این فرصت از بین برود و به تهدید تبدیل شود. بنابراین بحث فوریت هم مطرح شد. بنابراین برمبنای این چهار شاخص، نظام مسائل اولویت‌بندی شد. ولی موضوع «مساله محوری در سیاست‌های کلی پیشنهادی به رهبری» این شاخص‌ها تعیین شد.

در این شاخص‌هایی که تشخیص اولویت بندی کردید، چالش‌ها را هم دسته‌بندی کردید؟

بله.

برخی هانشان می‌دهد عقب‌ماندگی‌های عمده برنامه ششم ۱۸ مورد بوده. از نگاه شما مهم‌ترین موارد این چالش‌ها کدام هستند؟

یک سری چالش‌ها در برنامه ششم شناسایی شد که برنامه ششم باید این چالش‌ها را برطرف می‌کرد اما پس از اجراشدن برنامه ششم این چالش‌ها برطرف نشده است. مثلا بحث تورم، گرانی‌ها و درکنار اینها چالش‌های دیگری هم که درطول برنامه ششم اضافه شدند، کاهش ارزش پول ملی بود. اینها چالش‌هایی است که پیش‌روی ما قرار دارد. نظام پولی و بانکی ناکارآمد است. نقدینگی افزایش یافت، تورم بیشتر شد، ارزش پول ملی کاهش یافت.

یکی از چالش‌های پیش‌روی جامعه، نظام مالیاتی معیوب است. به‌عنوان مثال از یک سو گفته می‌شود بودجه کشور شامل ۱۶/۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور بود و بعد گفتند از این مقدار هدف درصد توسط نفت و حدود ۶/۵ درصد توسط مالیات تامین می‌شود و ۳-۲/۵ درصد سایر منابع است. این درحالی بود که گفته می‌شود بین ۱۰-۷ درصد فرار مالیاتی داریم. به‌عبارت دیگر، اگر فقط جلوی فرار مالیاتی گرفته شود، با بحث عدالت مالیاتی برقرار شود، وابستگی بودجه به نفت، خود به خود قطع می‌شود. درنتیجه نظام مالیاتی معیوب یکی از چالش‌های پیش‌روی جامعه ماست. عدالت مالیاتی در آن وجود ندارد، فرار مالیاتی الان زیاد است، باید به این پاسخ داده شود، یا به طور کلی نظام بودجه‌ریزی اعم از ساختار و فرآیند بودجه‌ریزی معیوب است. چندین سال است که مقام‌معظم‌رهبری دستور داده‌اند ساختار بودجه را اصلاح کنید؛ از مجلس هم چنین صراحت ایجاد شد. به‌طور مشخص، این معین شود ما چه چیزی را در برنامه هفتم دنبال می‌کنیم و باید تحقق یابد. سعی بر این شده سیاست‌های کلی برنامه هفتم، واجد این ویژگی‌ها باشند یعنی کلی‌بودن، شفافیت، صراحت و استحکام. نمی‌خواهیم بگوییم مصدر ضد این تحقق‌یافته ولی همه نشان‌ها این بود که سیاست‌های کلی برنامه هفتم واجد این ویژگی‌ها باشد.

به مولفه‌ها و شاخص‌ها اشاره کردید ولی بحث محورهای سیاستی چطور؟ هر برنامه توسعه‌ای یک سری محورهای سیاستی دارد. این برنامه هفتم توسعه محورهای سیاستی جدیدی دارد یا همان محورهای قبلی تکمیل می‌شود؟

چهار مولفه را کنار هم گذارید. مجموعه‌ای از سیاست‌های کلی که قبلا توسط مقام‌معظم‌رهبری ابلاغ شده، وجود دارد. بنابراین باید بتوانیم برش پنج‌ساله از آن مجموعه سیاست‌هایی را که دارای اولویت است، انتخاب کنیم. نکته دیگر این است که برش پنج‌ساله‌ای که می‌خواهیم اولویت به آنها بدهیم باید نسبت نزدیکی با چالش‌ها و مسائل کلیدی حال حاضر و پنج سال آینده جامعه داشته باشند.

نکته مهم‌تر این است که این اولویت‌ها یا مولفه‌هایی که آن بیان می‌کنیم، باید بتوانند بیشترین پاسخ‌ها را به چالش‌های موجود یا حل مسائل موجود بدهد و بیشترین زمینه را برای تحقق سایر سیاست‌ها فراهم کند. سعی شده است نظام مسائل و راهبردهایی که انتخاب مجلس و مجمع تجربیاتی را به دست آورده‌اند. این تجربیات این بوده که نباید همه ایده‌های خوب و اهداف را در یک مترکز روی هدف‌هایی شویم که به نظر می‌رسد هم اولویت دارد و هم چالش‌های همه کشور است و هم امکان دارد ظرف ۴۵ سال این اتفاق بیفتد و به این اهداف برسیم. براساس این، خود آن چیزی که راهنما بود، ایده‌های اولیه رهبری بود که حدود یک صفحه دراختیار مجمع قرار گرفت و در ۱۴ بند کوتاه است و سعی شده با اشرافی که رهبری دارند، اولویت‌ها تعیین شود و براساس این شکل گرفته است، البته آن چیزی که در مجمع بررسی می‌شود، چون همان‌طور که می‌دانید، مجمع ۶ کمیسیون دائمی دارد، کمیسیون حقوقی، کمیسیون زیربنایی، کمیسیون اقتصادی، کمیسیون سیاسی و امنیتی است که از هرکدام، دو نفر انتخاب شدند و کمیسیون مشترک از تشکیل دادند که آن پیش‌نویس سیاست‌ها را بررسی کردند و وقتی آماده شد به صحن مجمع داده شد، مجمع هم جلسات فشرده گذاشته تا اینها را آماده کند و خدمت مقام‌معظم‌رهبری ارائه می‌شود و ایشان با آنچه مجمع پیشنهاد داده به نظر مشورتی را می‌گیرند و با تغییراتی که مورد نظر ایشان است، به سه قوه ابلاغ می‌کنند. فرآیند این چنین است. این نکته را در نظر کلی باید کنیم که سیاست‌های کلی‌ای داریم که زمان ندارد، یعنی مخصوص برنامه پنج‌ساله نیست. اینها افقا ۱۰ سال طول عمر دارند یعنی سیاست‌های کلی است که همه فانونگذاری‌ها و برنامه‌ها باید براساس آنها باشند. اما غیر از این سیاست‌های کلی که زمان ندارند، برای برنامه‌های پنج‌ساله هم موضوع این بود که سیاست‌های کلی نوشته می‌شد. باتوجه به اینکه برنامه ششم تمام شد، براساس ایده اولیه که بیان کردم یک صفحه و در حدود ۱۴ بند بود، با پیش‌نویس تهیه شده و سیاست‌های کلی برنامه هفتم تهیه می‌شود تا به عنوان نظر مشورتی به رهبری تقدیم شود.

روند و بررسی موارد در نظر گرفته شده در برنامه هفتم توسعه، چه تفاوتی با برنامه ششم توسعه دارد؟ چون با گزارشی که دیوان محاسبات اعلام کرد، برنامه ششم توسعه کمتر از ۳۵ درصد محقق شده است و بالاخره هر برنامه توسعه‌ای با نسبت برنامه توسعه قبل خود یک سری چالش‌های پیشین را باید برطرف کند.

درحقیقت تفاوت اصلی که این برنامه با برنامه قبلی خود دارد این است که دولت و مجلس و مجمع تجربیاتی را به دست آورده‌اند. لذا برنامه‌ها به نحوی باشد که بتوانیم آنها را ارزیابی کنیم و اولویت‌ها را درنظر بگیریم.

یعنی می‌خواهید با کاهش اولویت‌ها تمرکز را روی اجرای آنها بگذارید؟

بله، یعنی بررسی کنیم در این مقطع کشور نیازهای اصلی، اولویت‌ها و چالش‌های عمده چیست و متناسب با آنها متمرکز روی هدف‌هایی شویم که به نظر می‌رسد هم اولویت دارد و هم چالش‌های عمده کشور است و هم امکان دارد ظرف ۴۵ سال این اتفاق بیفتد و به آن اهداف برسیم. براساس این، خود آن چیزی که راهنما بود، ایده‌های اولیه رهبری بود که حدود یک صفحه دراختیار مجمع قرار گرفت و در ۱۴ بند کوتاه است و سعی شده با اشرافی که رهبری دارند، اولویت‌ها تعیین شود و براساس این شکل گرفته است، البته آن چیزی که در مجمع بررسی می‌شود، چون همان‌طور که می‌دانید، ولی براساس تجربه بنا بر این بود و همه اعضای مجمع به هم تذکر می‌دادند که در سیاست‌گذاری و خیلی متنوع نشود و دنبال ایده‌آل‌ها نباشیم، بلکه با استفاده از تجربیات گذشته روی آن چیزی متمرکز شویم که در این مقطع، کشور بیشتر به آن نیاز دارد. وقتی جلسات مجمع به این منظور تشکیل شد، چند جلسه بحث شد که رویکرد ما برای تنظیم سیاست‌هایی که خدمت رهبری مشورت می‌دهیم، چه باشد؟ تقریبا باتوجه به تاکیداتی که در این چندسال مقام‌معظم‌رهبری داشتند، نامگذاری‌هایی که برای سال‌ها انجام دادند، تاکیدی که روی بحث چالش‌های اقتصادی داشتند، جهت اصلی سیاست‌های کلی برنامه هفتم را مشخص کردند. مجمع هم به این رسید که بحث برطرف کردن چالش‌های اقتصادی و پیشرفت اقتصادی کشور را توام با عدالت قرار دهد، پس این رویکردی بود که مجمع به آن رسید، توجه به واقعیت‌ها و جهت‌گیری‌های کشور که روی برطرف کردن چالش‌های اقتصادی و شاخص دادن به امر توسعه اقتصادی متمرکز می‌شود. البته این رویکرد با رعایت بحث عدالت در امر توسعه است. می‌خواهیم بگوییم زمانی می‌گوییم فقط پیشرفت باشد و رشد اقتصادی داشته باشیم و این رشد اقتصادی اگر آثاری داشت که ایجاد فاصله طبقاتی کرد، مهم نیست اما رهبری در ایده‌هایی که عنوان کردند، همواره تاکید داشته‌اند توسعه و پیشرفت را توام با عدالت می‌خواهیم.

در ارزیابی انجام‌شده از سیاست‌های کلی برنامه ۶ دور گذشته، مشخص شده که در برنامه دوم و سوم توسعه بیشتر اهداف و جهت‌گیری‌ها تعیین شده‌اند. از برنامه‌های چهارم و پنجم راهبردهای مبنایی هم‌وارد سیاست‌ها می‌شوند. این راهبردهای مبنایی به چه معنا هستند و چه به منبع وارد برنامه هفتم توسعه شده‌اند و از نگاه شما آیا رویکرد دیگری هم‌وجود دارد که برای بهترشدن برنامه هفتم توسعه بتوان به آن اضافه کرد؟

برخی از راهبردها بوده‌اند که روی آن تاکید شده مساله وابستگی بودجه‌های دولت به نفت کاهش یابد، به‌ویژه بودجه جاری از منبع نفت که یک منبع ثروت ملی است، تامین نشود و وابستگی آن کاهش یابد و از بین برود. این تقریبا تاکیدی است که رهبری از ابتدای رهبری خود داشتند و هنوز محقق نشده است، پس این امر جدیدی نیست ولی روی این موارد در سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف تاکید می‌شود تا این اتفاق رقم بخورد. بعضا یک‌سری اقدامات هم‌صورت گرفت و تصمیماتی گرفته شد که این اتفاق بیفتد و تاسیس صندوق توسعه ملی به چنین منظوری است که بدتریج درآمدهای نفت در این صندوق بیاید تا صرفا صرف توسعه گشوده شود. همین طور درآمدهای مالیاتی دولت و نظام مالیاتی اصلاح شود، به منظور اینکه تقریبا تعادلی در دخل و خرج دولت براساس منبع اصلی درآمدهای مالیاتی ایجاد شود. به هرحال سیاست‌هایی که انجام می‌دهیم، استفاده از فرصت‌هایی است که پدید می‌آید و قسمتی از سیاست‌های کلی، هدف‌های کلی است که وقتی در برنامه پنج‌ساله می‌آیم، این هدف‌ها را مشخص‌تر می‌کنیم و می‌گوییم در این پنج سال می‌خواهیم به این اهداف برسیم، بعد راهبردهای کلی را مشخص می‌کنیم که طریق راه‌حل‌ها را مشخص‌تر داشته باشیم.

محورهای جدید سیاستی هم در این برنامه می‌شوند. تا اشکالات را بپوشش بدهند. این راهبردهای مبنایی به چه معنا هستند و چه به منبع وارد برنامه هفتم توسعه شده‌اند و از نگاه شما آیا رویکرد دیگری هم‌وجود دارد که برای بهترشدن برنامه هفتم توسعه بتوان به آن اضافه کرد؟

بحث اشکالات را بپوشش بدهند، یعنی اینکه ما وابستگی بودجه‌های دولت به نفت کاهش یابد، به‌ویژه بودجه جاری از منبع نفت که یک منبع ثروت ملی است، تامین نشود و وابستگی آن کاهش یابد و از بین برود. این تقریبا تاکیدی است که رهبری از ابتدای رهبری خود داشتند و هنوز محقق نشده است، پس این امر جدیدی نیست ولی روی این موارد در سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف تاکید می‌شود تا این اتفاق رقم بخورد. یعنی بحث اینکه ما اشرافی که رهبری دارند، اولویت‌ها تعیین شود و براساس این شکل گرفته است، البته آن چیزی که در مجمع بررسی می‌شود، چون همان‌طور که می‌دانید، مجمع ۶ کمیسیون دائمی دارد، کمیسیون حقوقی، کمیسیون زیربنایی، کمیسیون اقتصادی، کمیسیون سیاسی و امنیتی است که از هرکدام، دو نفر انتخاب شدند و کمیسیون مشترک از تشکیل دادند که آن پیش‌نویس سیاست‌ها را بررسی کردند و وقتی آماده شد به صحن مجمع داده شد، مجمع هم جلسات فشرده گذاشته تا اینها را آماده کند و خدمت مقام‌معظم‌رهبری ارائه می‌شود و ایشان با آنچه مجمع پیشنهاد داده به نظر مشورتی را می‌گیرند و با تغییراتی که مورد نظر ایشان است، به سه قوه ابلاغ می‌کنند. فرآیند این چنین است. این نکته را در نظر کلی باید کنیم که سیاست‌های کلی‌ای داریم که زمان ندارد، یعنی مخصوص برنامه پنج‌ساله نیست. اینها افقا ۱۰ سال طول عمر دارند یعنی سیاست‌های کلی است که همه فانونگذاری‌ها و برنامه‌ها باید براساس آنها باشند. اما غیر از این سیاست‌های کلی که زمان ندارند، برای برنامه‌های پنج‌ساله هم موضوع این بود که سیاست‌های کلی نوشته می‌شد. باتوجه به اینکه برنامه ششم تمام شد، براساس ایده اولیه که بیان کردم یک صفحه و در حدود ۱۴ بند بود، با پیش‌نویس تهیه شده و سیاست‌های کلی برنامه هفتم تهیه می‌شود تا به عنوان نظر مشورتی به رهبری تقدیم شود.

در ارزیابی انجام‌شده از سیاست‌های کلی برنامه ۶ دور گذشته، مشخص شده که در برنامه دوم و سوم توسعه بیشتر اهداف و جهت‌گیری‌ها تعیین شده‌اند. از برنامه‌های چهارم و پنجم راهبردهای مبنایی هم‌وارد سیاست‌ها می‌شوند. این راهبردهای مبنایی به چه معنا هستند و چه به منبع وارد برنامه هفتم توسعه شده‌اند و از نگاه شما آیا رویکرد دیگری هم‌وجود دارد که برای بهترشدن برنامه هفتم توسعه بتوان به آن اضافه کرد؟

بالاخره در آسیب‌شناسی که از سیاست‌های کلی برنامه ششم داشتیم، در برنامه دوم و سوم بیشتر جهت‌گیری‌های کلی بیان می‌شد و این از مدتی دیدیم اینها تحقق نیافته. بنابراین از برنامه چهارم مجلس و مجمع تجربیاتی را به دست آورده‌اند. این تجربیات این بوده که نباید همه ایده‌های خوب و اهداف را در یک مترکز روی هدف‌هایی شویم که به نظر می‌رسد هم اولویت دارد و هم چالش‌های عمده کشور است و هم امکان دارد ظرف ۴۵ سال این اتفاق بیفتد و به این اهداف برسیم. براساس این، خود آن چیزی که راهنما بود، ایده‌های اولیه رهبری بود که حدود یک صفحه دراختیار مجمع قرار گرفت و در ۱۴ بند کوتاه است و سعی شده با اشرافی که رهبری دارند، اولویت‌ها تعیین شود و براساس این شکل گرفته است، البته آن چیزی که در مجمع بررسی می‌شود، چون همان‌طور که می‌دانید، مجمع ۶ کمیسیون دائمی دارد، کمیسیون حقوقی، کمیسیون زیربنایی، کمیسیون اقتصادی، کمیسیون سیاسی و امنیتی است که از هرکدام، دو نفر انتخاب شدند و کمیسیون مشترک از تشکیل دادند که آن پیش‌نویس سیاست‌ها را بررسی کردند و وقتی آماده شد به صحن مجمع داده شد، مجمع هم جلسات فشرده گذاشته تا اینها را آماده کند و خدمت مقام‌معظم‌رهبری ارائه می‌شود و ایشان با آنچه مجمع پیشنهاد داده به نظر مشورتی را می‌گیرند و با تغییراتی که مورد نظر ایشان است، به سه قوه ابلاغ می‌کنند. فرآیند این چنین است. این نکته را در نظر کلی باید کنیم که سیاست‌های کلی‌ای داریم که زمان ندارد، یعنی مخصوص برنامه پنج‌ساله نیست. اینها افقا ۱۰ سال طول عمر دارند یعنی سیاست‌های کلی است که همه فانونگذاری‌ها و برنامه‌ها باید براساس آنها باشند. اما غیر از این سیاست‌های کلی که زمان ندارند، برای برنامه‌های پنج‌ساله هم موضوع این بود که سیاست‌های کلی نوشته می‌شد. باتوجه به اینکه برنامه ششم تمام شد، براساس ایده اولیه که بیان کردم یک صفحه و در حدود ۱۴ بند بود، با پیش‌نویس تهیه شده و سیاست‌های کلی برنامه هفتم تهیه می‌شود تا به عنوان نظر مشورتی به رهبری تقدیم شود.

روند و بررسی موارد در نظر گرفته شده در برنامه هفتم توسعه، چه تفاوتی با برنامه ششم توسعه دارد؟ چون با گزارشی که دیوان محاسبات اعلام کرد، برنامه ششم توسعه کمتر از ۳۵ درصد محقق شده است و بالاخره هر برنامه توسعه‌ای با نسبت برنامه توسعه قبل خود یک سری چالش‌های پیشین را باید برطرف کند.

درحقیقت تفاوت اصلی که این برنامه با برنامه قبلی خود دارد این است که دولت و

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲

می‌شود برمبنای این اولویت‌ها باشد. سیاست‌های کلی برنامه هفتم، مساله‌محور است، منتهی برای این امر ابتدا سه حوزه کلیدی مطرح شد، یک حوزه اقتصاد و معیشت مردم، دیگری حوزه فرهنگ و علم و فناوری، سوم حوزه منطقه یا مباحث مربوط به سیاست اعم از سیاست داخلی و خارجی است.

این حوزه‌های کلیدی نسبت به برنامه ششم توسعه کمتر شده و موارد در یکدیگر ادغام شده است؟

در این سه حوزه، نظام مسائل دارای اولویت‌بندی است. به‌طور مثال در حوزه اقتصاد سه مساله کلیدی مطرح است؛ یکی ساختار و فرآیند بودجه‌ریزی معیوب، دوم نظام پولی و بانکی معیوب، و ناکارآمد در جامعه و سوم نظام مالیاتی معیوب است. این بدین معنا نیست که فقط به این سه مورد پرداخته شده اما در هریک از اینها نکات دیگری نیز وجود دارد. یا در بحث علم و فناوری، مساله این است که الان با اخره انقلاب ارتباطاتی در دنیا به‌وجود آمده است، روندی در دنیا جهانی شده که در پرتو انقلاب اطلاعات و ارتباطات است و بسیاری از مسائل اعم از آموزش و پرورش و حتی اقتصاد و بسیاری از مسائل اجتماع را تحت‌الثیر قرار داده است. اینها مواردی است که باید روی آن متمرکز شد و اگر تلاش نکنیم، از مردانش عقب می‌افتیم و باید همراه با عرصه‌های جهانی شده دنیا این مسائل دیده شود. در حوزه فرهنگ بحث فرهنگ عمومی و هویت را داریم. در موضوع سرمایه اجتماعی، بحث تهاجم فرهنگی را داریم که باید به‌نوعی وارد جنگ ادراکی و شناختی در عرصه بین‌الملل شویم و نسبت به این مسائل کوتاهی نکنیم و آنها را نادیده نگیریم. به هریک از این حوزه‌ها، اولویت‌هایی نسبت به مسائل داده شده است. این بدین معنا نیست که همه مسائل کشور می‌خواهد در برنامه هفتم حل شود. یکی سری اولویت‌ها که نزدیک به ۳۰ مساله است، تعیین شده است. این مسائل ممکن است زیاد یا کم شود.

به سیاست خارجی اشاره کردید و در این راستا باید بگویم یکی از مشکلات اصلی که در برنامه ششم توسعه وجود داشت، بحث سیاست خارجی بود. می‌توان گفت راهبرد کلی درست تدوین نشده بود؛ چراکه در گزارش کارشناسان مختلف بیان شده و در برنامه ششم توسعه، تنها برای رفع تحریم‌ها راهبردی تدبیر شد اما برای عدم لغو تحریم‌ها، هیچ راهبردی وجود نداشت. الان در برنامه هفتم توسعه، در بحث توسعه سیاست خارجه چه مولفه‌هایی درنظر گرفته شده است تا به مشکلات قبلی دچار نشویم؟

درخصوص آن چیزی که در بحث سیاسی منطقه مطرح کردم، یک بحث وجود دارد که اولویت‌های تقدم و همکاری در ما عرصه خارجی و سیاست خارجی در برنامه هفتم چیست. سه شاخص به نظر می‌رسد برای اولویت مسائل و موارد دارد. یکی منطقه است. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور هم گفته می‌خواهیم رتبه اول اقتصاد را در منطقه داشته باشیم. همین گفته کجاست؟ قبلا دولتی می‌آمد و از منطقه صحبت نمی‌کرد ولی دنیا رو بود، یک دولت دیگر می‌گفت منطقه ولی سمت آمریکای لاتین می‌رفت. اما آن چیزی که سند چشم‌انداز تحت عنوان «منطقه» مطرح می‌کند، غرب آسیا یا جنوب غرب آسیاست. وقتی از این منطقه صحبت می‌کنیم حدود ۲۵-۱۹ کشور در اطراف کشور ماست. این حیث، یکی از اولویت‌هایی که در همکاری‌های ما در روابط خارجی وجود دارد، همسایگان و کشورهای مسلمان و منطقه است. اولویت دوم که برای تقدم و همکاری ما وجود دارد نیاز به فناوری است، اینکه ما به چه فناوری‌هایی نیاز داریم. بالاخره باید به جاهایی که این دانش و فناوری را دارند، مراجعه کنیم و دانش و فناوری به‌دست بیاوریم. اولویت سومی که می‌تواند وجود داشته باشد، یک‌سری مسائل کلیدی در عرصه بین‌المللی است که نمی‌توانیم نسبت به مسائل کلیدی خود را کنار بکشیم؛ مثلا تغییر اقلیم و آب‌وهوا؛ تغییر اقلیم و آب‌وهوا یک روند جهانی شده است که کشورها تحت‌الثیر قرار می‌دهد. نمی‌توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم یا نمی‌توانیم نسبت به موضوعاتی همچون تروریسم [اعم از مستقیم یا نیابتی] که در کشورهای همسایه ما اعم از ترکیه، عراق، افغانستان و... اتفاق می‌افتد، بی‌تفاوت باشیم و خود را کنار بکشیم. پس اینها موضوعات و مسائلی است که باید در اولویت‌های تقدم و همکاری خود قرار دهیم. پس یک نکته منطقه است.

نکته دیگری که وجود دارد این است که به نظر می‌رسد تا کنون آن چیزی که بر سیاست خارجی ما حاکم بوده، بیشتر موضوعات سیاسی و امنیتی است. رویکرد اقتصادمحور در مباحث مربوط به سیاست خارجی ما یا کمرنگ بوده یا مغفول واقع شده است. پس تغییر رویکرد خواهیم داشت، نه به این معنا که نگاه سیاسی و امنیتی کنار گذاشته شود بلکه درکنار نگاه سیاسی و امنیتی، صبغه اقتصادی در نمایندگی‌های ما در کشورهای دیگر و تعاملات با کشورهای همسایه ایجاد شود. به‌عبارتی، به تناسب سطح منطقه و تغییر رویکرد، نیاز به تحول در دستگاه دیپلماسی داریم. جابه‌جا دیپلمات‌هایی بودند که با نگاه غرب‌محور به پارادایم ساختار توزیع نظام بین‌الملل نگاه می‌کردند و از پارادایمی که از درون خود تهدیدی یک فرصت نهفته است، دور بودند.

برنامه هفتم توسعه با نگاه تغییر این رویکرد یا به تعبیر دیگر با نگاه میدانی و با رویکرد مسائلی متفاوت تدوین می‌شود. از الزامات این تغییر رویکرد، نگاه به منطقه با آن اولویت‌ها و تغییر رویکرد از سیاسی-امنیتی به اقتصادی است. نه اینکه این دو جایگزین شود بلکه درکنار هم باشند و موضوع اقتصاد در دستگاه دیپلماسی اهمیت پیدا کند و تحولی که در دستگاه دیپلماسی باتوجه به این رویکردها باید به‌وجود آید، مجموعه عواملی است که می‌تواند زمینه را برای بسیاری از تحولات در دستگاه دیپلماسی ما فراهم کند. آن چیزی که وجود دارد مثلا تجربه‌ها یکی از چالش‌های پیش‌روی ماست. حتی در برنامه هفتم پیش‌بینی این است. باغرض اینکه مذاکرات به توافق برسد، با فرض اینکه روند برجام احیاشود همچنان برخی تحریم‌ها باقی خواهد ماند. این تحریم‌ها با توجه به سیاست‌های کشورها می‌تواند فرارفوود پیدا کند، بنابراین با فرض توافق باید همچنان یکی از متغیرهای کلیدی را در نگاه خود در سیاست خارجی ببینیم که این سیاه تحریم‌ها همچنان بزودی قابل رفع نیست. اگرچه ممکن است در بسیاری زمینه‌ها کمرنگ شود، چون باتوجه به گزارشاتی که می‌دهند چشم‌اندازمان موافقت روشن است ولی با فرض توافق باید بدانیم تمام تحریم‌ها برداشته نمی‌شود. با محدودیت‌هایی که در عرصه بین‌المللی برای ما ایجاد می‌کنند، کماکان بخشی از تحریم‌ها باقی است.

بحث صندوق توسعه ملی از اهمیت بالایی برخوردار است. بااین حال، در برنامه ششم توسعه خلاهایی مرتبط با صندوق ملی وجود داشت. امکان دارد توضیحاتی درباره این خلاءها بدهید؟ الان آن خلاءها چه نحوی در برنامه هفتم رفع می‌شود؟

درطول برنامه پنجم و ششم یعنی ۱۰ سال صندوق توسعه ملی شکل گرفته و دارای اساسنامه دائمی است، به نظر می‌رسد این صندوق از حیث عملکرد موفق نبوده است. نکته بزرگ این است که از سال گذشته، در اساسنامه صندوق بازنگری انجام می‌شود. پیشنهادهایی در مجمع مطرح شده و سوالاتی پیرامون این پیشنهادها وجود دارد، مثلا سوال کلیدی این بود که باتوجه اینکه اساسنامه صندوق توسعه ملی یک اساسنامه دائمی است، آیا ضرورت دارد در سیاست‌های کلی برنامه هفتم این اصلاحات صورت بگیرد یا در شرایط دیگری می‌تواند این انجام شود؟ اتفاقا دیگر اینکه نقش یک نهاد گرمایی که بیشتر صندوق توسعه ملی برای منابع درآمدی نفت و گاز تعریف شده، در بودجه چیست؟

دوستانی که درگیر در بحث بودجه بودند، مطرح می‌کردند حدود ۴۲ درصد از درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز دراختیار صندوق توسعه ملی قرار می‌گرفته و برای شرکت ملی نفت حدود ۱۴ درصد از رحت نفت و گاز سهم درنظر گرفته شده، هر زمان فروش نفت و گاز با قیمت نفت و گاز افزایش یابد، درآمد بیشتری به دست می‌آوریم. یک‌سری کارخانه‌ها، صنایع و مجموعه‌ها را می‌بین افتد اما هر زمان که این فروش یا قیمت‌ها کاهش می‌یابد، به همان نسبت رکودی حاصل می‌شود که بسیاری از این کارخانه‌ها و شرکت‌ها دچار ورشکستگی می‌شوند. بنابراین ما این نسبت درصدی بین برنامه‌ریزی را با فروش نفت و گاز کم و نه تثبیت می‌کنیم و درنتیجه می‌گویم صندوق توسعه ملی، نقشی تثبیت کننده در امر بودجه داشته باشد، بدین معنا که یک عدد ثابت از فروش نفت و گاز در اختیار دولت قرار گیرد و سالانه ثابت باشد و تابع نوسانات افزایش قیمت و افزایش فروش یا کاهش قیمت و کاهش فروش قرار نگیرد. یک عدد ثابت برای نسبت در برنامه‌ریزی تعریف شود. این سوال دومی بود که وجود داشت. اگر از منظر دوم بخواهیم نگاه کنیم به صندوق توسعه‌ملی از زاویه‌ای می‌پردازیم که در بودجه کشور نقش دارد. بنابراین از حیث ثبات در بودجه کشور، باید بدان در سیاست‌های کلی برنامه هفتم پرداخته شود. هر دوی این رویکرد پیشنهادهایی برای اصلاح عملکرد و اساسنامه صندوق مطرح کرده، همچنین برای تثبیت آن در بودجه سالانه کشور و نسبت این صندوق با شرکت ملی نفت نیز پیشنهادهایی داریم. یکی از ابحث‌هایی که وجود دارد این است که معمولا شرکت ملی نفت ۱۴ درصد عواید حاصل از نفت و گاز را می‌گیرد، برای اینکه میادین نفت و گاز را توسعه دهد، با تولیدات بیشتری کند ولی گفته می‌شود غالب این منابع هزینه مسائل حقوق و مزایا و امور جاری می‌شود. درنتیجه پیشنهادی مطرح شد که ما سهم شرکت ملی نفت را به نسبت بشکه نفت و گاز تولیدشده یا میادینی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری در آنها تعریف شود، تخصیص بدهیم یعنی هر میدانی که نفت و گاز بیشتری تولید کرد، سهم بیشتری به او داده شود و هرجایی که بشکه نفت بیشتری تولید شد، سهم بیشتری به آنجا داده شود. منابع صرف تولید شود، نه صرف هزینه‌های جاری و حقوق و مزایا! این یکی از نکاتی است که مطرح است و امیدواریم به جمع‌بندی برسیم.

اگر نکته دیگری وجود دارد، بفرمایید.

من در مراحل تدوین برنامه ششم هم حضور داشتم و نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم و به نظر من خیلی قابل توجه است، مشارکت قوای سه‌گانه در تدوین این برنامه‌هاست. برخلاف برنامه ششم، در برنامه هفتم شاهد مشارکت ویژه نهادهای دولتی، وزارتخانه‌ها و قوای سه‌گانه، بخش‌های غیردولتی و خصوصی در تدوین سیاست‌های کلی برنامه هفتم هستیم که یک امر قابل توجه و قابل تحسین است. چون آنها با حضور فعال خود، پیشنهادهای متنوعی را می‌دهند.

در جلسات مجمع هم مستقیما حضور دارند؟

بله، در جلسات کمیسیون‌ها یا جلسات صحن مجمع حضور فعالی دارند و از این جهت قابل توجه است. از جهت دیگر ممکن است مشکلاتی را ایجاد کند چون نهادها وقتی حضور دارند نگاه بخشی ایجاد می‌شود و می‌خواهند وارد جزئیات شوند. لذا مشکلاتی ایجاد می‌کند ولی سطح مشارکت و جدیت در مباحث آنها قابل توجه و تحسین برانگیز است.

**با این اوصاف، شاهد این خواهیم بود که برنامه